

واکاوی سیاست انفتاح العبادی؛

روند، چارچوب و نتایج

تورج افشون*

چکیده

دوران پس از مالکی یا به عبارت بهتر دوران حکومت العبادی پس از شهریور 1393، می‌تواند آغاز جدیدی در روند مناسبات بغداد با سایر بازیگران دخیل (اعم از داخلی یا خارجی) قلمداد شود. دور شدن از شاخص‌های ایدئولوژیک و مطمح نظر قرار دادن فاکتورهایی نظیر منافع ملی، ساختار بین‌الملل همراه متن جغرافیایی و تاریخی‌ای که العبادی در آن به سر برده است، مسلماً تفاوت‌هایی را در رویکرد حکومت‌های قبلی عراق و حکومت العبادی ایجاد کرده است که با توجه به آن، العبادی مورد قضاوت‌های مختلف - موافق و مخالف - قرار گرفته و به همین دلیل «عراق العبادی» فرصت‌ها و تهدیدهای تازه‌ای پیدا کرده است.

واژگان کلیدی

عراق، سیاست انفتاح، حکومت العبادی، روابط خارجی، کشورهای عربی، امریکا، ج.ا.ایران

* کارشناس مسائل عراق Fatemi Mahdi 15@ Yahoo.com

تاریخ تصویب: 1394/04/25

تاریخ دریافت: 1394/04/10

بیان مسئله

هر چند تغییر دولت در هر کشوری لزوماً به معنای ایجاد تغییر در دیدگاه‌ها و رویکردهای هیئت حاکمه نیست، به نظر می‌رسد این امر در عراق، تغییراتی را در رویکردها و موضع‌گیری‌های (و در مجموع رفتار سیاسی) هیئت حاکمه نسبت به سایر بازیگران دخیل ایجاد کرده است؛ تا جایی که تغییر مالکی و جایگزینی حیدر العبادی از منظر امریکایی‌ها و بعضی کشورهای عربی نظیر عربستان، قطر و امارات متحده عربی، تغییر در بنیان سیاست‌های عراق تلقی شده است.

بنابراین، شاید این ادعا که «حیدر العبادی در راستای ایجاد موازنه سیاسی میان بازیگران دخیل در عراق، تغییراتی را در سیاست خارجی عراق خواهد داد»، خیلی بیراهه نباشد. از این رو سؤال اصلی این مقاله این است که «تأثیرات تغییر حکومت در عراق (روی کار آمدن حکومت العبادی) بر روابط آتی بغداد و سایر بازیگران دخیل چگونه خواهد بود؟».

به دنبال سؤال اصلی، سؤال‌های فرعی دیگری را نیز می‌توان مطرح کرد:

- آینده روابط عراق و ایران در پرتو اتخاذ سیاست انفتاح چگونه خواهد بود؟
 - تفاوت‌های شیوه حکومتی العبادی با حکومت‌های پیشین عراق به ویژه مالکی کدام‌اند؟

- علل استقبال نسبی اولیه کشورهای عربی و امریکا از حکومت العبادی، نسبت به مالکی چیست؟

بر همین اساس، فرضیه اصلی مقاله این است که «رویکرد العبادی در قبال سایر بازیگران دخیل متأثر از فاکتورهایی جدید غیر از فاکتورهای دوران پیشین و به ویژه مالکی و جعفری است؛ بر این اساس، ملی‌گرایی ناشی از رویکردهای شخصیت سیاسی العبادی، در دوره حکومت وی، بیش از مؤلفه‌های دیگر تأثیر گذارند».

چارچوب تئوریک

سیاست خارجی کشورها و روابط میان آنها تحت تأثیر فاکتورها و شاخصه‌های متعددی در داخل و خارج است. علاوه بر فاکتور منافع ملی، نئورئالیست‌ها بر این باورند که نظام بین‌الملل نیز محدودیت‌ها و فرصت‌هایی برای ترسیم سیاست خارجی کشورها فراهم می‌کند.

از همین رو، برای درک مبانی نظری سیاست خارجی کشورها، ضرورت دارد جهت‌گیری‌ها و مواضع مختلف آنها در عرصه سیاست بین‌الملل تجزیه و تحلیل شود. البته با بررسی صرف این جهت‌گیری‌ها، نمی‌توان به مبنای مشخص و مشترکی برای مطالعه سیاست خارجی کشورها رسید.

در اینجا برای بررسی مواضع و سیاست خارجی حکومت حیدر العبادی لازم است علاوه بر فاکتور منافع ملی تبه مقتضیات نظام بین‌الملل نیز توجه شود. می‌توان گفت تلفیق مسائل ملی با محدودیت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، رویکرد سیاست خارجی العبادی در قبال همسایگان به ویژه ایران را شکل داده است.

کارشناسان و محققان روابط بین‌الملل، در بررسی رفتارها و سیاست‌های کشورها به جمع‌بندی‌های مختلفی رسیده‌اند. یکی از متغیرهای بنیادینی که به مثابه سیاست خارجی کشورها معرفی شده، مسائل ملی است. بر این اساس، مسائل ملی محور سیاست خارجی یا انگیزه اساسی رفتار کشورها در صحنه بین‌المللی است. «هانس. جی. مورگنتا» از معماران اولیه مکتب رئالیسم (واقع‌گرایی) در روابط بین‌الملل، استدلال می‌کند که دولت‌ها در موضع‌گیری‌ها و سیاست خارجی، تابع منفعی هستند که در چارچوب قدرت تعریف می‌شود (مورگنتا، 1374: 6).

رئالیست‌ها جهان را متشکل از منافع متعارض ارزیابی می‌کنند و با استناد به شخصیت حقوقی دولت‌ها، بر این باورند که تمام رفتارها و اعمال بشر از قدرت

سرچشمه گرفته و قدرت طلبی امری طبیعی و ذاتی بشر، غیرقابل ریشه کن شدن و اصلاح ناپذیر است. از طرف دیگر، تلاش برای اعمال و ازدیاد آن از واقعیت های جهان سیاست است. در این گستره، کشورها همیشه در صدد کسب، اعمال و افزایش قدرت اند و مسائل ملی خود را بالاتر از همه ایده آل ها، اصول اخلاقی و حقوق بین المللی قرار می دهند (شریفی طرازکوهی، 1380: 17-16).

بنابراین، بر اساس نظریه رئالیست ها، اولویت مسائل ملی، راهنما و انگیزه اصلی رفتار کشورها در نظام بین الملل به شمار می رود. طبق نظریه رئالیستی، دولت محوری، خردگرایی، قدرت طلبی و تأمین امنیت جزو شاخص های سیاست خارجی هر کشوری است.

از سوی دیگر، فهم نظریه نئورئالیسم به موضوع بحث ما کمک می کند. نئورئالیسم یکی از مهم ترین نظریاتی است که در صدد اثبات محور بودن مسائل نظام بین الملل و قدرت های مسلط آن برای تعیین رفتار سیاست خارجی کشورهاست. از همین رو «کنت والتز»، برای بررسی رفتار سیاسی کشورها، از سطح تحلیل منافع ملی فراتر می رود و جهت گیری های دولت ها را به ماهیت ساختار نظام بین الملل مرتبط می کند. وی بر این باور است که سیاست خارجی همه دولت ها، تحت تأثیر سیستم نظام بین الملل است. نتیجه بحث نئورئالیست ها این است که با توجه به آنکه دولت ها به عنوان بازیگران (واحدهای ملی) در نظام بین الملل قدرت یکسانی ندارند، سلسله مراتبی از قدرت در متن نظام بین المللی شکل می گیرد که جایگاه و نقش هر یک از بازیگران را مشخص می کند. بدین ترتیب، در شرایطی که واحدها به دلیل تفاوت در توانمندی های خود، معمولاً عملکرد متفاوت و پیش بینی ناپذیری دارند، با بررسی ماهیت ساختار بین المللی می توان چگونگی رفتار واحدهای این نظام و نیز پیامد تعاملات آنها با یکدیگر را

قابل پیش‌بینی کرد (Holander, 2000).

اکنون به نظر می‌رسد می‌توان ضمن بررسی شاخص‌های مطرح هر دو مکتب رئالیسم و نئورئالیسم شامل منافع ملی و نظام بین‌الملل، تفسیری واقعی‌تر از «تأثیرات تغییرات حکومت در عراق بر روابط آتی آن با سایر بازیگران دخیل» ارائه داد.

به رغم شاخص‌های مطرح در دو رهیافت رئالیسم و نئورئالیسم، از لحاظ رفتارشناسی یا «روان‌شناسی شخصیت» باید اذعان کرد که شخصیت‌های متفاوت بر تصمیم‌گیری‌ها و رویکردها تأثیرگذارند؛ بنابراین، با بررسی رفتارشناسی و واکاوی روان‌شناسانه نخست‌وزیران عراق طی دوران مختلف می‌توان رویکردهای متفاوتی را از آنها در قبال موضوعی خاص پیدا کرد.

در چارچوب این موضوع، می‌توان بر هویت نیز به عنوان مهم‌ترین عنصر زندگی اجتماعی تأکید کرد. بر این اساس، هویت در جایگاه پیونددهنده میان «فرد»، «جامعه» و «جغرافیا» به شمار می‌رود که می‌تواند به «بروز رفتارهای خاص» بینجامد. گاه وابستگی یا زندگی در جغرافیای مکانی خاصی، کارکرد هویتی دارد و در چارچوب «همانندی‌های هویتی»، افراد قرارگرفته در آن مجموعه، در برخی رفتارها و کنش‌های سیاسی - اجتماعی، وحدت رویه ایجاد و مواضع آنها را به هم نزدیک می‌کند.

با این اوصاف، می‌توان اذعان کرد که سیاست‌گذاری دولتمردان کنونی عراق در قبال بازیگران دخیل در این کشور، متأثر از فاکتورهایی نظیر مسائل ملی، نظام بین‌الملل و شخصیت سیاسی رهبران است.

حکومت حیدر العبادی و اتخاذ سیاست‌های نوین

بدیهی است که شخصیت‌های سیاسی مهم و تصمیم‌ساز در هر کشور نقش مهمی در

اتخاذ رویکردها و مواضع آن کشور در قبال کشورهای دیگر دارند. عراق نیز به عنوان یک کشور همسایه و دروازه شرقی عربی از این قاعده مستثنا نیست. با دقت در اتخاذ مواضع، اقدامات و عملکردهای حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق، و تفاوت‌های شخصیتی، علمی، فرهنگی و در مجموع سیاسی وی با سایر مقامات پیشین، به این نتیجه می‌رسیم که مسلماً رویکردها و مواضع العبادی با رویکردهای افرادی مانند مالکی، ابراهیم جعفری و حتی ایاد علاوی تفاوت‌هایی خواهد داشت. از این رو، یکی از مشخصه‌های بارز تغییر و به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین تغییرات در سیاست خارجی حکومت جدید عراق، علاوه بر تحکیم رابطه با ایران، تلاش برای گسترش روابط با حوزه عربی پیرامونی عراق، یعنی عربستان و کویت بوده است. این موضوع در دوران حکومت‌های پیشین به رغم پیگیری به جایی نرسید و آثار مثبتی از آن رویکرد، برای بهبود روابط خارجی عراق دیده نشد.¹

با این اوصاف، ابتدا رویکردها و مواضع نوین حیدر العبادی در حکومت جدید عراق (پس از مالکی) را موشکافی کرده و به سناریوهای محتمل آتی در سیاست خارجی و اتخاذ مواضع و رویکرد عراق نسبت به سایر بازیگران خواهیم پرداخت.

ارزیابی عملکرد حیدر العبادی

همان‌گونه که گذشت، نمی‌توان حیدر العبادی را شخصیتی همانند سایر نخست‌وزیران عراق ارزیابی کرد؛ زیرا زمینه‌های شخصیتی وی (شامل اندیشه،

1. بدیهی است در بحث گسترش روابط عراق با کشورهای همسایه عربی، چنانچه آنها اهداف مخرب خود را در عراق از دستور کار خارج سازند، نه تنها برای امنیت عراق، بلکه برای افزایش موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تأثیرگذار خواهد بود، اما مادامی که این اهداف کنار گذاشته نشوند، گسترش این روابط هم به زیان عراق و هم به زیان جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

تفکر، رفتار، نوع زندگی و...) در متنی غیر از متن حیات سیاسی آنها شکل گرفته است. بنابراین برای ارزیابی عملکرد حیدر العبادی ابتدا لازم است به صورت مختصر حیات سیاسی وی را مرور کنیم.

کارنامه

حیدر العبادی در سال 1331 ش در بغداد به دنیا آمد. پدرش دکتر جواد العبادی پزشکی معروف و مدیر بیمارستان «لجمه» در بغداد و بازرس کل وزارت بهداشت بود که همراه 42 پزشک دیگر از طرف رژیم بعثی، به علت مخالفت با رژیم در سال 1358، مجبور به ترک حرفه خود شد (<http://www.irandiplomacy.ir/fa/page/1936997>).

دکتر حیدر العبادی دوره کارشناسی را در سال 1354 در دانشگاه بغداد در رشته مهندسی برق طی کرد. بعدها دوره کارشناسی ارشد و دکتری خود را در دانشگاه «منچستر» انگلستان گذراند. از جمله فعالیت‌های وی، تدریس علوم قرآنی در دانشگاه «برونل» انگلستان بود. فعالیت سیاسی وی علیه رژیم بعثی در واقع از سال 1360 آغاز شد. او در این مقطع مسئول دفتر حزب الدعوه در خاورمیانه (بیروت) بود؛ سپس سخنگوی حزب الدعوه در انگلیس شد.

در سال 1360، رژیم صدام یکی از برادران وی را دستگیر و 10 سال زندانی کرد. در سال 1361، رژیم بعث دو تن از برادران دیگر وی را به جرم عضویت در حزب الدعوه اعدام کرد.

دو سال پس از سقوط دیکتاتور عراق (صدام)، در آغاز سال 1382، وی وزیر ارتباطات شد. در سال 1384 به سمت مشاور نخست‌وزیری رسید و همزمان در اواخر دولت مالکی، هماهنگ‌کننده مبارزه با القاعده در «تلعفر» شد. وی هم‌چنین مسئول هماهنگی با سازمان ملل در خصوص آوارگان عراقی و رئیس کمیسیون اقتصاد و

سرمایه‌گذاری پارلمان در دوره اول بود (<http://www.asriran.com/fa/news/350062>).

چندجانبه‌گرایی

هر چند با گذشت زمان اندکی از دوران نخست‌وزیری العبادی (کمتر از یک سال)، زود است از رویکرد سیاسی العبادی سخن بگوییم، از آنجا که در دوره چندماهه نخست‌وزیری العبادی، درهای عراق روی بسیاری از بازیگران سیاسی (اعم از داخلی و خارجی) باز شد، شاید بتوان با اغماض، سیاست وی را «سیاست چندجانبه‌گرایانه» خواند. البته این سخن بدان معنی نیست که مقامات اجرایی و دولتمردان پیشین، چنین رویه‌ای را پیش نگرفته بودند. پرواضح است که دولتمردان پیشین عراق از جمله ابراهیم جعفری و نوری مالکی، تلاش‌های وسیعی برای بهبود رابطه با همسایگان عربی و غیرعربی (از جمله ترکیه) انجام دادند، اما نتوانستند در «تصویر ترسیم‌شده در ذهن دولتمردان این کشورها از عراق تغییری ایجاد کنند».

اکنون به نظر می‌رسد سیاست «انفتاح مع دول الجوار»¹ العبادی تا حدی با همسایگان عربی و غیرعربی (ترکیه) تا حدی مورد استقبال قرار گرفته است. این سیاست، در عین حال فضایی را هم برای انتقاد از سیاست‌های خارجی دولت مالکی باز کرده است.

سیاست انفتاح العبادی در یک نگاه

حیدر العبادی از زمانی که زمام امور عراق را به دست گرفت (8 سپتامبر 2014 برابر اواخر مرداد 1393)، تلاش بسیاری برای رفع مشکلات و چالش‌های داخلی

1. مصطفی العبدی، «المرجعیه الشیعیه العراقیه تؤید الانفتاح علی دول الجوار»، *القدس العربی*، سنه 26، العدد 7928، 15 نوامبر 2014.

و خارجی و سر و سامان دادن به آنها کرد.

العبادی تاکنون با سیاست چندجانبه‌گرایانه کوشیده است در عرصه داخلی، ضمن جلب رضایت اهل سنت، مشکلات حکومت مرکزی با اقلیم کردی را حل و فصل کند که توافق نفتی میان بغداد و اربیل نتیجه این سیاست است. در عرصه نظامی - امنیتی نیز توانست هماهنگی‌هایی برای مقابله با داعش ایجاد کند.

در بعد خارجی (منطقه‌ای و بین‌المللی)، حکومت جدید عراق (العبادی) کوشیده است ضمن نزدیک شدن به کشورهای همسایه، چالش‌ها را کاهش دهد و یخ روابط را ذوب کند. در این راستا، سفرهای منطقه‌ای حیدر العبادی و اعضای دولت او توأمان به جمهوری اسلامی ایران، عربستان سعودی، امارات، اردن، ترکیه و... قابل توجه است.

در بعد بین‌المللی نیز بغداد بارها اعلام کرده است که برای مبارزه با داعش، نیاز به کمک بین‌المللی دارد و سفر متوالی مقامات و کشورهای مختلف به عراق در راستای واکنش به درخواست عراق بوده است.

آنچه مسلم است صرف بحث در خصوص اینکه «سیاست انفتاح العبادی خوب یا بد است» نمی‌تواند گرهی از مشکلات و چالش‌های کنونی باز کند. اگر این سیاست‌ها و رویکردها با برطرف کردن نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت آن توأم باشد، می‌تواند علاوه بر تقویت حاکمیت عراق به تقویت محور مقاومت نیز بینجامد.

رویکرد «چندجانبه‌گرایانه» العبادی در عرصه داخلی و خارجی عراق را می‌توان نوعی «تنش‌زدایی» دانست. در اتخاذ چنین رویکردی از سوی العبادی عوامل گوناگونی دخیل بوده‌اند که شامل ویژگی‌های رفتاری و شخصیتی العبادی یا به اصطلاح بهتر «زیست جهان العبادی» می‌شود که نگاهی متفاوت با گذشته را

در پی داشته است. ترمیم شکاف‌های داخلی در عراق، کسب حمایت همسایگان و جامعه بین‌المللی از عراق به ویژه در مبارزه با تروریسم (مشخصاً داعش و بعثی‌ها) و... می‌تواند بخشی از آن باشد.

به نظر می‌رسد خط‌مشی‌ها و طرز تفکرات العبادی به «سیاست درهای باز» سرعت بخشیده و در اتخاذ آن به عنوان کاتالیزور عمل کرده است. باور به نوعی سیادت ملی عراقی، باور به قرار گرفتن عراق در چارچوب جغرافیای عرب، باور به ناسیونالیسم عراقی، نگاه خوش‌بینانه به تعامل با جهان عرب و غرب، تمایل به ادامه رابطه راهبردی با جمهوری اسلامی ایران در کنار رابطه با کشورهای عربی سبب شده است تا العبادی، شاخص رویکردهایی متفاوت در سیاست داخلی و خارجی تلقی شود و از این رو این تلقی پدید آمده که او با «گفتمانی متفاوت» از مسئولان پیشین عراق در صحنه ظاهر شده است.

می‌توان مدعی شد که سیاست افتتاح العبادی به نتایج نسبتاً رضایت‌بخش و مثبتی انجامیده؛ به ویژه آنکه «مبارزه با داعش را از حالت مذهبی — طایفی به مبارزه ملی تبدیل کرد». البته قضاوت در مورد سایر نتایج این رویکرد، با توجه به گذشت کمتر از یک سال از عمر حکومت العبادی، هنوز زود است.

تأثیرات سیاست العبادی روی روابط با جمهوری اسلامی ایران

در خصوص تأثیرات سیاست العبادی روی روابط با جمهوری اسلامی ایران، همان‌گونه که گذشت، باید تأکید کرد که العبادی در تمام مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهایش با رسانه‌ها، مواضع دو پهلو و مبهمی دارد و معمولاً بر نوعی «گفتمان عراقی» پافشاری و اصرار می‌ورزد. نکته دیگر آنکه العبادی در جهتی گام می‌گذارد که اجرای سیاست‌های آتی خود را نه از طریق «صندوق‌های انتخابات»

بلکه از طریق «تعامل، توافق و توازن منطقه‌ای و بین‌المللی» دنبال کند. بر همین منوال، العبادی در گفت‌وگویی با اشپیگل، در پاسخ به این سؤال که «وقتی ایران، نه آمریکا، به عنوان مهم‌ترین متحد شما در جنگ علیه داعش وارد شده است، آیا شما از اوباما، ناامید شده‌اید؟» ابراز امیدواری می‌کند که ای کاش حمایت آمریکا، سریع‌تر و مؤثرتر می‌بود؛ به خصوص در آغاز حمله داعش به عراق. در ادامه می‌گوید: «البته ایرانی‌ها به سرعت، هم به شکل تسلیحاتی و هم در قالب مشاوره نظامی از ما حمایت کردند، چون داعش به مرزهای ایران نزدیک شده بود و ایرانی‌ها، آنها را به عنوان یک تهدید برای خود، تلقی کردند.» آقای العبادی در این مصاحبه حمایت ایران از عراق را «به خاطر منافع و امنیت ملی خود ایران» ارزیابی می‌کند و اظهار می‌دارد که من به ایرانی‌ها مدیون نیستم. این مواضع در دیدار العبادی از آمریکا از اواخر فروردین 1394 نیز به چشم می‌خورد.

باید خاطر نشان ساخت «زایش رویکرد العبادی» را باید در گذشته نیز جست‌وجو کرد. هر چند اقدامات مثبت مالکی در زمینه گروهک تروریستی منافقین، تعامل با جمهوری اسلامی ایران بر سر موضوع سوریه، خروج نیروهای امریکایی از عراق و... در راستای سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران و همسو با محور مقاومت قلمداد می‌شود، اما برخی اقدامات وی را زمینه‌ساز بروز و زایش رویکرد العبادی ارزیابی می‌کنند.

سفر حیدر العبادی به جمهوری اسلامی ایران و دیدار وی با مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی ایران و اظهارات وی نشان می‌دهد که سیاست‌های انفتاح‌گرایانه العبادی، به طور کلی منافاتی با سیاست رابطه استراتژیک جمهوری اسلامی ایران و عراق ندارد؛ ولی واقعیت این است که در برهه زمانی کنونی، رویکرد العبادی در خصوص همسایگان دیگر عراق از جمله ترکیه، عربستان

سعودی، اردن و حتی کشورهای نظیر امارات متحده عربی، مصر و... به طور طبیعی سبب نگرانی‌هایی شده است. می‌توان گفت سیاست العبادی در «ایجاد موازنه» در میان بازیگران دخیل در عراق از طریق رویکرد «چندجانبه‌گرایانه» ممکن است از جنبه راهبردی رابطه با ایران بکاهد. از این رو فراخوان وی برای پیش گرفتن «رفتاری مسئولانه‌تر» از مقامات سعودی، اردنی، قطری و... در قبال عراق قابل تأمل است. این رویکرد همچنین «ترکیه» را به‌عنوان بازیگر دخیل در عراق، به «تغییر سیاست‌هایش» فرامی‌خواند. این موضوع تا جایی است که در دیدار سلیم الجبوری با محمد بن مبارک الخلیفی، رئیس مجلس شورای ملی و خالد العطیه، وزیر امور خارجه قطر، بر درخواست قطر برای گشایش سفارت خود در عراق تأکید شد. نظیر همین وضعیت، در خصوص عربستان، ایجاد شد و مقامات سعودی تمایل خود را برای گشایش سفارت خود در عراق اعلام و هیئتی را به این منظور به عراق اعزام کردند؛ هر چند هنوز در عمل چنین تلاش‌هایی بی‌نتیجه بوده و به نظر می‌رسد با بروز بحران یمن و مداخله نظامی عربستان، این موضوع در حال حاضر در محاق قرار گرفته است. فراتر از این، سفر العبادی به امارات متحده عربی و ترکیه نیز در دستور کار مقامات عراقی قرار گرفت. از سوی دیگر، کویت نیز برای ارسال کمک‌های نظامی و لجستیکی برای مبارزه با تروریسم به عراق، اعلام آمادگی کرده است. سفر «عبدالله النصور»، نخست‌وزیر اردن، طی دهه آخر ماه آذر 1393 و به دنبال آن سفر العبادی به اردن در همین راستا ارزیابی می‌شود. در خصوص رویکرد «چندجانبه‌گرایانه» العبادی در قبال کشورهای همسایه، می‌توان سه تحلیل کلان در سطوح «خوش‌بینانه»، «بدبینانه» و «راه میانه» ارائه داد.

تحلیل خوش‌بینانه حاکی از این است که برای برقراری امنیت در عراق،

چاره‌ای جز همکاری کشورهای عربی و غیرعربی منطقه از جمله عربستان، اردن، امارات متحده عربی، قطر و ترکیه با عراق متصور نیست؛ بنابراین العبادی، با گزینش این رویکرد و با لحاظ قرار دادن منافع و امنیت ملی عراق در واقع «برقراری امنیت در عراق» را وجهه همت خود قرار داده است. (این سیاست در سطح داخلی عراق و رویکرد تعامل‌گرایانه دولت العبادی با کردها و اهل سنت نیز دنبال شده است.) با در نظر گرفتن این تحلیل، گسترش روابط عراق با کشورهای همسایه یا بازیگران دیگر به زیان منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود، بلکه حتی در راستای تأمین توأمان امنیت و منافع ملی عراق و ایران است.

در تحلیل بدبینانه از رویکرد «چندجانبه‌گرایانه» العبادی با همسایگان، باید گفت العبادی در روندی گام نهاده که به «کاهش نقش جمهوری اسلامی ایران» در عراق می‌انجامد. در دیدگاه بدبینانه، نتیجه رویکرد تعاملی العبادی و ورود بازیگران دیگر به صحنه، به معنای، «تضعیف یا کاهش نقش جمهوری اسلامی ایران» در عراق است و با «ایجاد موازنه سیاسی میان بازیگران دخیل در عراق» رابطه راهبردی جمهوری اسلامی ایران با عراق به ضعف می‌گراید.

بین این دو دیدگاه، دیدگاه میانه‌ای وجود دارد که می‌گوید «سپردن نقش مسئولانه به بازیگران دخیل دیگر در عراق» از جمله عربستان، اردن، امارات متحده عربی، قطر و ترکیه و به عبارت بهتر، «بازخواست مسئولیت از آنها در قبال عراق»، هرچند ممکن است به «تضعیف یا کاهش نقش جمهوری اسلامی ایران در عراق» بینجامد، برخی هزینه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران در عراق را کاهش و به «برخی ناامنی‌های وارداتی هدفمند» از سوی این بازیگران در عراق پایان خواهد داد یا دست‌کم به اصلاح رفتار سیاسی گذشته آنها در قبال عراق خواهد انجامید.

در همین راستا، حیدر العبادی در گفت‌وگو با «المیادین» بر بهبود روابط بغداد و ریاض تأکید، اما تلویحاً به «عدم درک خطر داعش از سوی برخی حکام خلیج فارس» اشاره کرد. از این زاویه، در مجموع رویکرد «تعامل‌گرایانه العبادی» ضرورتاً به زیان جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود. ضمن اینکه شیعیان عراق (یا یک گروه شیعی خاص که در حاکمیت محوریت دارد) را از اتهام «چسبندگی تام» به جمهوری اسلامی ایران که همواره کشورهای عربی و غربی به حکومت نوری مالکی می‌زدند، مبری خواهد ساخت.

در عرصه داخلی عراق، مهم‌ترین نکته در ارزیابی رویکردها و سیاست‌های افتتاح العبادی، که براساس «تئوری توقعات فزاینده» نیز قابل تبیین است، اینکه امتیازات اعطاشده به کردها و اعراب سنی، با توجه به مطالبات آنها، هنوز خاتمه نیافته است و در حال حاضر به عنوان یک مسکن عمل کرده و به صورت موقت از برخی تنش‌ها و چالش‌ها، در عراق برای حاکمیت و شیعیان کاسته است؛ اما آنچه مسلم است مطالبات زیاده‌طلبانه از سوی جریان‌های یادشده تمامی ندارد.

در اینجا برای نمونه به نتایج سیاست‌های «درهای باز» العبادی در خصوص عربستان خواهیم پرداخت:

نتایج سیاست افتتاح العبادی (نمونه موردی: عربستان)

روابط با عربستان

روابط با عربستان از زمانی که «طراد عبدالله الحسین الحارثی» (1370 - 1362) آخرین سفیر این کشور در سال 1370 عراق را ترک کرد، هیچ‌گاه رو به بهبود نگرایید. این روابط با حمله ارتش بعثی صدام به کویت در سال 1369 کاملاً قطع شد و تا سال 1382 (سقوط صدام) روابطی میان دو کشور وجود نداشت. این

دشمنی‌ها و قطع رابطه، با محوریت شیعیان در حاکمیت عراق، تشدید شد. در دوره پس از آن، سیاست عربستان حمایت نکردن از حاکمیت جدید و تحریک خشونت‌ها در عراق بود.

از 1385 تا 1393 که نوری مالکی طی دو دوره نخست‌وزیری را عهده‌دار بود، عربستان ضمن خودداری از گشایش سفارت خود در بغداد، در بعد امنیتی در انفجارها و ناامنی‌ها دخالت مشهود داشت و در اواخر دوره مالکی، این تنش‌ها در روابط فی‌مابین افزایش یافت.

البته از 1391 عربستان، فهد بن عبدالمحسن الزید را به عنوان سفیر آکرودیتیه خود در عراق معرفی کرد. اوج تنش‌های میان دو کشور پس از 1389 در دوران تحولات کشورهای عربی (بیداری اسلامی) رخ داد که مناطق غربی عراق نیز با دخالت‌های عربستان ناآرام شد.

برخی اظهارات و مواضع نوری مالکی در خصوص روابط با عربستان: «... همان‌طور که ما تمام توجه خود را به رشد و شکوفایی عراق معطوف کردیم و در امور داخلی عربستان دخالت نمی‌کنیم، از ریاض نیز می‌خواهیم که در امور داخلی کشور ما دخالت نکند» (<http://tik.ir/fa/news/34857>).

نوری مالکی در 18 اسفند 1392، عربستان و قطر را به صراحت به اعلام جنگ علیه عراق متهم کرد و گفت: «عربستان و قطر عاملان ناامنی در عراق هستند و به گروه‌های تروریستی از جمله القاعده پناه می‌دهند و از آنها حمایت می‌کنند» (<http://www.entekhab.ir/fa/news/157232>).

در مقابل سعودی‌ها نیز واکنش‌هایی نشان دادند. «ترکی الفیصل، از مسئولان امنیتی سعودی، ضمن مسئول دانستن مالکی در ناامنی‌های عراق، اظهار داشت: «نوری مالکی، نخست‌وزیر عراق، یکی از نقاط اختلاف میان عربستان سعودی و

عراق باقی خواهد ماند. در بسیاری از مسائلی که نوری مالکی درباره حضور القاعده در استان الانبار عراق صحبت می‌کند، غلو شده است. سخنان نخست‌وزیر عراق برای جلب حمایت بیشتر شیعیان این کشور از وی است» (<http://www.tabnak.ir/fa/news/408112>).

دوران حیدر العبادی و سیاست درهای باز

روابط با سعودی‌ها

حیدر العبادی در 17 شهریور 1393 به جای نوری مالکی روی کار آمد. استقبال جامعه جهانی از روی کار آمدن العبادی، سبب تغییراتی ظاهری و کوتاه‌مدت در مواضع و رفتارهای سعودی در قبال عراق شد. از سوی دیگر، تلاش حیدر العبادی برای اجرای «سیاست درهای باز» در قبال همسایگان، به این موضوع کمک کرد. در این دوره زمزمه‌هایی برای افتتاح سفارت عربستان شنیده می‌شد. متعاقب حرف و حدیث‌ها و رایزنی‌های صورت‌گرفته، هیئتی فنی برای بازگشایی سفارت از سوی سعودی عازم بغداد و قرار شد سفارت در منطقه سبز بغداد بازگشایی شود که البته تاکنون اتفاق نیفتاده است.

سفر فؤاد معصوم، رئیس‌جمهور، و ابراهیم جعفری، وزیر امور خارجه، در این دوران به عربستان و دیدار آنها با مقامات سعودی نیز در این راستا انجام شد. روابط دو کشور در این دوره تحت تأثیر داعش بود. احساس خطر مقامات عربستانی از داعش پس از اعلام خلافت و حمله داعش به پاسگاه مرزی میان عربستان و عراق (و کشته شدن 3 نظامی سعودی)، کمی بارزتر شد و تماس حیدر العبادی با سلمان بن عبدالعزیز (ولیعهد وقت) نیز تا حدودی تأثیرگذار بود. حیدر العبادی در این گفت‌وگوی تلفنی، ضمن برشمردن تهدید مشترک داعش

بر هماهنگی مشترک میان دو کشور برای مقابله با داعش تأکید کرد. پس از مرگ ملک عبدالله، سلیم الجبوری، رئیس پارلمان، بهاء الاعرجی، معاون نخست‌وزیر، و اسامه نجیفی، معاون رئیس‌جمهور، برای شرکت در مراسم تشییع جنازه وی به عربستان رفتند.

تحلیل روابط

برخی بر این باورند که با توجه به ناشی بودن تفکر تکفیری‌ها از وهابیت و احتمال تقویت آنها در دوره ملک سلمان، و با توجه به برخی تغییرات صورت‌گرفته توسط ملک سلمان، روند گذشته در قبال عراق تداوم خواهد یافت. برخی از مسئولان امنیتی عراق نیز بر این نکته تأکید دارند و بر این باورند که سیاست درهای باز العبادی تأثیر چندانی در تغییر رویکرد سعودی در قبال عراق نخواهد کرد و عربستان هم‌چنان به شیوه‌های گذشته ادامه خواهد داد و مواضع اتخاذشده از سوی العبادی در قبال سعودی صرفاً کاهش بهانه‌گیری‌ها را در پی داشته است. هم‌چنین سیاست دوگانه امریکا در عراق به علاوه کاهش قیمت نفت از سوی سعودی‌ها و زیان چند میلیاردی به اقتصاد نفتی عراق از جمله اسناد دیگری است که علاوه بر جمهوری اسلامی ایران و روسیه، به عراق نیز آسیب‌های جدی وارد کرد. وضعیت ایجادشده از سوی عربستان در یمن این نگرش را تقویت کرده است.

در مقابل برخی دیگر بر این باورند که ملک سلمان با سیاست درهای باز العبادی، همسویی خواهد کرد و به دنبال بهبود روابط با عراق گام برخواهد داشت؛ به ویژه که قبلاً انتقادهایی به عدم تحرک در خصوص بازگشایی سفارت سعودی در بغداد داشته است. علاوه بر آن، خطر مشترک داعش برای دو طرف و «حضور عربستان در ائتلاف بین‌المللی ضد داعش» از جمله دلایل برای اثبات این

موضوع‌اند. البته حوادث اخیر در یمن، برخی امیدهای این گروه به بهبود روابط را کم‌رنگ کرده است.

در پاسخ به این پرسش که سیاست انفتاح و سازش آقای حیدر العبادی در قبال کشورهای منطقه از جمله عربستان تا چه اندازه می‌تواند نقش مخرب سعودی را به نقش مثبت تغییر دهد؟ باید گفت این اقدامات هیچ‌یک از رویکردهای سعودی را تغییر نمی‌دهد، زیرا سعودی به دلیل پیروی از رویکرد وهابیت، که با ذات حاکمیت شیعی در عراق مشکل دارد و در تکفیر شیعیان با داعش همسویی دارد، به ادامه حضور قدرتمند شیعیان در حکومت عراق رضایت نخواهد داد. به همین دلیل نقش و مأموریت سعودی در عراق در نهایت تغییری نمی‌کند و اگر عربستان در قبال انفتاح و تسامح العبادی نرمش نشان دهد، صوری است.

حال سؤال اساسی این است که اگر در نیت و اهداف دولتمردان عراقی در قبال همسایگان شکی نداشته باشیم و حسن ظن داشته باشیم، در خصوص همسایگان به ویژه سعودی، ترکیه و امارات متحده عربی و... این موضوع تا چه حدی صادق است؟ در پاسخ به این پرسش نیز باید گفت که به نظر می‌رسد طبق آنچه آمد، سیاست انفتاح العبادی در مورد عربستان نتوانسته تغییری محسوس و قابل توجه ایجاد کند و جز نرمش‌های اولیه عربستان حاصلی نداشت؛ به گونه‌ای که تحولات کنونی یمن نیز اوضاع را پیچیده‌تر کرده است. بنابراین حق با مالکی است که می‌گوید: «عربستان سعودی هم‌چنین به تشدید اختلافات در منطقه دامن می‌زند و نمی‌خواهد با سیاست و تدبیر با مسائل کنونی تعامل کند» (<http://www.blaghnews.com/fa/doc/news/99604>).

سیاست انفتاح و امریکایی‌ها

رویکرد العبادی در خصوص حضور و فعالیت امریکایی‌ها در عراق (حتی از نوع

نظامی) نسبت به دوران نخست‌وزیری مالکی، تا حدی نرم‌تر و منعطف‌تر است.¹ هر چند العبادی در بسیاری اظهارات خود، «تردید امریکایی‌ها» و «قابلیت ایرانی‌ها» در حمایت از عراق را مورد تأیید قرار داده است.²

برای مبارزه با پدیده ناامنی‌ها در عراق، عبادی تلاش کرد با رویکرد «تعامل‌گرایانه» حمایت امریکایی‌ها و حتی «ناتو» را به مبارزه جدی با داعش جلب کند. گزارش‌ها حاکی از درخواست کمک از «نیروی هوایی امریکا» و حتی فراتر از آن «سازمان نظامی ناتو» برای کمک به عراق در مبارزه با داعش است. بدین منظور العبادی نیمه اول آذر 1393 در نشست «ائتلاف بین‌المللی علیه داعش» در بروکسل پایتخت بلژیک حضور یافت و «تسلیح و تجهیز و آموزش» ارتش عراق به علاوه کمک مالی از این ائتلاف را مطرح کرد. پس از آن، امریکایی‌ها و برخی کشورهای عضو ناتو از اعزام نیروهای نظامی بیشتر به عراق خبر دادند؛³ ولی در صحنه عمل، کمکی به ایجاد امنیت و «مبارزه واقعی با داعش» نکردند. اظهارات بعدی العبادی بر

1. درک این موضوع زمانی مشخص می‌شود که مالکی در دوره‌ای نخست‌وزیر بود که آمریکایی‌ها در عراق حضور نظامی در چارچوب «توافق‌نامه استراتژیک امریکا - عراق» داشتند و خروج آنها از عراق طبق مفاد توافق‌نامه در دوران مالکی (2011 م) صورت گرفت.

2. العبادی در گفت‌وگو با شبکه «المیادین» اظهار داشت که در دیدارش از امریکا، به «وباما»، رئیس‌جمهور گفته است که بغداد با تهدید مواجه است، اما طرف امریکایی در حمایت از عراق و نیروهای امنیتی آن تردید دارد، اما ایران هیچ تردیدی در کمک به ما و حتی کردها - زمانی که اربیل با تهدید مواجه شد - به خود راه نداد. ایرانی‌ها تهدید برای عراق را تهدیدی برای خود ارزیابی کردند، زیرا دو کشور منافع مشترکی دارند (به نقل از پایگاه خبری قدس آنلاین www.Qudsonline.ir، 1393/9/10).

3. جان کری، سخنگوی وزارت دفاع امریکا (پنتاگون)، اعلام کرد که «چاک هیگل»، وزیر دفاع این کشور، دستور اعزام 1300 نیروی امریکایی دیگر به عراق طی دی 1393 را صادر کرده است که مأموریت آنها، آموزش 9 تیپ از ارتش عراق و 3 تیپ وابسته به پیشمرگه کردی است. پیشتر «جیمز تری»، فرمانده نیروهای ائتلاف ضد داعش، از اعزام 1500 مستشار نظامی به عراق خبر داده بود. در همین راستا 27 آذر «وباما» با «العبادی» گفت‌وگوی تلفنی داشت. از سوی دیگر، آلمان از اعزام 100 نیروی نظامی این کشور برای آموزش نیروهای پیشمرگه و تصمیم برای در اختیار گذاشتن تجهیزات نظامی به ارزش 87 میلیون و 800 هزار دلار به عراق خبر داد.

این موضوع، مهر تأیید می‌زند.¹ نکته قابل تأمل دیگر، تلاش امریکایی‌ها برای تسلیح عشایر سنی و کردهاست که تبعات امنیتی آن می‌تواند حاکمیت عراق را با چالش‌های بیشتری نسبت به گذشته مواجه کند.

به هر حال، استقبال امریکایی‌ها از رویکرد العبادی بدان علت است که عراق را خارج از دایره ائتلاف و اتحاد با جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند.

ارزیابی و روند سیاست افتتاح العبادی در عرصه داخلی عراق

در سطح داخلی عراق، العبادی به سمت نوعی دلجویی از کردها (به‌ویژه پارتی) و اهل سنت پیش می‌رود. توافق میان نیچروان بارزانی و حیدر العبادی بر سر برخی موضوعات نظیر «فروش نفت اقلیم» و «بودجه پیشمرگه» در همین راستا ارزیابی می‌شود.

به علاوه العبادی با شعار «سلاح بید الدوله» درصدد قانونی کردن اساس مبارزه گروه‌های شبه‌نظامی شیعی نظیر سازمان بدر، عصاب اهل الحق، لواء یوم الموعود، کتابت حزب‌الله، سرايا السلام و... است. گمان می‌رود این رویکرد به تلطیف مواضع اهل سنت نسبت به حکومت العبادی خواهد انجامید؛ تا جایی که اهل سنت بر تصویب قانون «حرس الوطنی» در پارلمان عراق پافشاری می‌کنند. تصویب این قانون می‌تواند به محدودیت‌هایی در عرصه عمل برای گروه‌های

1. پایگاه خبری البوم عراق به نقل از «کمال الساعدی» نماینده سابق پارلمان عراق، ضمن درج مطالب مطرح‌شده در دیدار میان حیدر العبادی و سردار سلیمانی در خصوص نحوه کمک آموزشی و مستشاری جمهوری اسلامی ایران به عراق و پیشرفت کار نیروهای «حشد الشعبی» در مراحل آتی، تأکید کرد که حیدر العبادی در این دیدار با انتقاد از امریکا گفته است: «کمک‌های امریکا با تأخیر صورت گرفته و کارشناسان این کشور، که در مناطق درگیری حضور داشته و مستقرند، عناصر داعش را تروریست نمی‌دانند». (سایت خبری - تحلیلی رخداد، 24، 1393/10/27، www.ROKHDAD24.com).

شبه‌نظامی شیعی بینجامد، هر چند «گروه‌های شبه‌نظامی سنی همسو با دولت عراق» را در مناطق سنی‌نشین درگیر می‌کند. از سوی دیگر امریکایی‌ها را نیز به تسلیح مجدد عشایر و قبایل سنی در قالب «صحوات جدید» ترغیب خواهد کرد. در همین راستا، هیأت‌هایی از عشایر «الانبار» راهی امریکا شده‌اند و میان امریکایی‌ها و آنها، به منظور تسلیح و تجهیز عشایر، مذاکراتی صورت گرفته است. این روند تا جایی پیش رفته که نوعی تضاد و پارادوکس در رفتار و مواضع سیاسی امریکایی‌ها نسبت به عراق مشاهده می‌شود. در حالی که دولت اوباما روی وحدت و تمامیت ارضی عراق مانور می‌دهد، کنگره با طرح تسلیح عشایر سنی و کردها از طرح سه کشور سخن می‌راند.

یکی دیگر از رویکردهای العبادی در دوران چندماهه نخست‌وزیری‌اش، تغییرات در ساختار اداری به‌ویژه ساختار نظامی - امنیتی عراق است؛ تا جایی که به نظر می‌رسد وی نسبت به رویکردهای سخت‌گیرانه مالکی در قبال بعثی‌زدایی (اجتثاث البعث) تا حدودی با تساهل و مدارا رفتار کرده و به عبارت بهتر منعطف‌تر شده است. در این خصوص، العبادی، به زعم خود، مواضعش را به سمت «اعتدال» سوق داده و در کنفرانس «ائتلاف ضد تروریسم» در بروکسل بر آن تأکید داشته است (خبرگزاری شبستان، 11 آذر 1393). از این رو، برکناری برخی فرماندهان ارشد نظامی - امنیتی و جایگزینی آنها با افراد دیگر را شاید بتوان در این راستا قلمداد کرد.¹

از سوی دیگر، در ارزیابی چندماهه حکومت العبادی، شاخص‌های دیگری را نیز باید مورد توجه قرار داد. به نظر می‌رسد طیفی از جریان‌های کردی و سنی فشارهایی را برای محدود کردن مالکی به حیدر العبادی وارد می‌سازند؛ به گونه‌ای که بعضی پیش‌بینی کرده‌اند در آینده، محدودیت‌هایی علیه مالکی اعمال می‌شود.

1. بر اساس مصاحبه و گفتگو با برخی کارشناسان حوزه عراق این نتیجه‌گیری انجام گرفته است.

بنابراین ادعای اینکه فشارها هم از جانب بازیگران داخلی و خارجی بر حکومت العبادی برای کنار گذاشتن رویکرد حکومت مالکی وجود دارد، گزاف نیست.

احتمال ایجاد محدودیت برای مالکی

اکنون برخی شایعات و اظهارات از منابع آگاه سیاسی و کارشناسان حوزه عراق برای محدود کردن مالکی یا به اصطلاح «انتقام خاموش از مالکی»، نه تنها در میان رقبای سیاسی سنی و کردی بلکه میان شیعیان به گوش می‌رسد که احتمالاً در آینده به سوی محدود کردن اختیارات پست معاونت اول ریاست‌جمهوری (که مالکی عهده‌دار آن است) از جمله محدودیت در انجام سفرها و دیدارها خواهد انجامید.

حتی میان شیعیان با در نظر گرفتن این رویه، که معمولاً نخست‌وزیران شیعی پس از سقوط صدام نظیر جعفری و مالکی، به نحوی در حزب الدعوه نیز محوریت داشته‌اند، احتمال اینکه برخی خواهان محدود کردن قدرت مالکی در «حزب الدعوه» باشند، دور از ذهن نخواهد بود. از این زاویه، العبادی به عنوان نخست‌وزیر باید نقش محوری داشته باشد. اخیراً در سی و پنجمین مراسم سالگرد شهید محمد باقر صدر در بغداد، برای مالکی به عنوان دبیر کل حزب الدعوه زمانی برای ارائه سخنرانی در نظر نگرفتند.

عده‌ای نیز فراتر از این، احتمالاً این موضوع را با «احساس نگرانی از قدرت یافتن مجدد مالکی در عراق» پیوند زده‌اند و درصدد کنار گذاشتن وی از روند سیاسی هستند.¹ بنابراین به نظر می‌رسد «رویکرد به فراموشی سپردن دوران

1. به نظر می‌رسد برخی تحرکات علیه مالکی، از سوی رسانه‌های وابسته به محافل عربی صورت می‌گیرد. روزنامه القدس العربی در شماره 7956 روز شنبه 22 آذر 1393، ضمن دامن زدن به اختلافات حکومت

حکومت مالکی» اکنون برای برخی بازیگران دخیل در عراق (اعم از داخلی یا خارجی) جزو اولویت‌هاست؛ تا جایی که بسیاری از این بازیگران، حکومت العبادی را پلی برای رسیدن به مطالبات خود ارزیابی می‌کنند که در دوران نخست‌وزیری مالکی به عنوان «زیاده‌طلبی‌ها» قلمداد می‌شد.

مقایسه رویکردهای العبادی و مالکی

رویکردهای العبادی و مالکی در عراق تا حدی تفاوت‌های معناداری با هم دارند که سیاست خارجی و نیز رویکرد در قبال جریان‌های عراقی را شامل می‌شود. اهم این رویکردها عبارت‌اند از:

1. حس شیعه‌محوری قوی‌تر مالکی نسبت به العبادی؛
2. همسویی بیشتر مالکی نسبت به جمهوری اسلامی ایران؛
3. روابط مالکی با جریان‌های ناهمخوان عراقی با حزم و احتیاط بیشتری توأم بود.
4. یکدست نبودن کابینه العبادی در مقایسه با کابینه مالکی؛
5. محیط زندگی و فرهنگی که آقای العبادی در آن رشد و نمو یافته با آقای مالکی متفاوت است. آقای العبادی آشنایی کمتری با ایران و فرهنگ ایرانی دارد و بیشتر، تحت تأثیر محیط غربی است.

از همین رو برخی اقدامات العبادی مانند انتخاب سخنگوها از خبرنگاران خبرگزاری‌های خارجی یا وابسته به شبکه‌های بیگانه در عراق (الجبوری خبرنگار بی‌بی‌سی در بغداد و سعد الحدیثی، سنی لیبرال) مؤید این موضوع است. در همین

حیدر العبادی با مالکی، مالکی را متهم به پس‌ندادن هوایم‌ای اهدایی جمهوری اسلامی ایران در دوران حکومت خود نمود و نوشت مالکی ادعا کرده که این هوایم‌ا به نام وی ثبت شده و متعلق به وی و نه دستگاه نخست‌وزیری است.

راستا دفتر العبادی در بیانیه‌ای، ضمن اعلام تعهد خود به آزادی بیان، نگرش حکومت پیش از خود در مواجهه با رسانه‌های معاند را تلویحاً مورد انتقاد قرار داد. در خصوص موضوع «تعامل با ایران» مالکی نه تنها نسبت به العبادی، بلکه حتی از نخست‌وزیران و مقامات پیشین عراقی، همسویی بیشتری با جمهوری اسلامی ایران داشت. اقداماتی نظیر امضای توافق‌نامه استراتژیک میان امریکا و عراق (با تعدیلات صورت‌گرفته) و زمینه‌سازی برای خروج نظامی امریکا از عراق، همکاری در پرونده گروهک تروریستی منافقین و همکاری در زمینه تبادلات اقتصادی از جمله مهم‌ترین اقداماتی بود که همگرایی‌های بیشتری با ایران داشته است.

بررسی سناریوهای محتمل

با توجه به آنچه گذشت، تلاش شد رویکردها، رفتار سیاسی و اقدامات العبادی مورد بررسی قرار گیرد؛ بنابراین ضرورت دارد رویکرد آقای العبادی در قبال جمهوری اسلامی ایران در چند سناریو بررسی شود:

1. سناریوی اول: تداوم

تداوم مسیر گذشته و به عبارت بهتر «اتخاذ نسبی رویکردهای دوران مالکی» که با توجه به تفاوت‌های رفتاری العبادی با مالکی، طبق آنچه گفته شد، تا حدی دور از ذهن است. البته در خصوص رویکردهای حکومت جدید عراق (العبادی) به ویژه در موضوع «تعامل‌گرایی» و اتخاذ سیاست خارجی جدید و «گشایش درهای باز به روی کشورهای عربی»، می‌توان این وضعیت را در راستای «امنیت‌سازی» و «یغای نقش مسئولانه» کشورهای عربی در عراق نیز تحلیل کرد.

2. سناریوی دوم: فاصله

رفتار سیاسی و مواضع العبادی در خصوص جمهوری اسلامی ایران همانند مالکی نخواهد بود و تا حدی به تغییرات رفتاری و رویکردی در این خصوص می‌انجامد. العبادی، ضمن اینکه روابط راهبردی با جمهوری اسلامی ایران را ادامه می‌دهد، بر گسترش روابط با غرب و همسایگان عرب خود نیز تأکید خواهد کرد. بنابراین دور شدن کامل از مسیر گذشته و «نفی کامل رویکرد مالکی» سناریویی بدبینانه است احتمال اتفاق آن کمتر است.

رویکرد بدبینانه یا «فاصله‌گیری» با توجه به ساختار و اساسنامه حزب الدعوه - که بر اساس ایدئولوژی اسلامی و شیعی تدوین شده - بعید و دور از ذهن است؛ به عبارت دیگر، ساختار حزب الدعوه در عراق، العبادی را در اتخاذ برخی رویکردهایش محدود و تغییر احتمالی رویکرد العبادی را مهار می‌کند.

3. سناریوی سوم: عملگرایانه

العبادی نه آن‌چنان از گذشته فاصله خواهد گرفت و نه در مدار کامل آن رفتار خواهد کرد؛ از این رو، بر مبنای تئوری‌های «رنالیسم» و «نئورنالیسم» ظرفیت‌ها و محدودیت‌های عراق در عرصه داخلی و خارجی تعیین‌کننده رفتار و رویکرد حکومت جدید عراق خواهد بود. بنابراین ممکن است العبادی «سیاست کج دار و مریز» را در قبال جمهوری اسلامی ایران دنبال کند؛ رویکردی که در آن روابط اگرچه تا حد زیادی کماکان بر اساس مبانی ایدئولوژیکی و راهبردی خواهد بود، با بازیگران دیگر در عراق نیز تعامل خواهد شد. در بررسی رویکردهای جدید حکومت عراق، دو روی سکه را باید مورد توجه قرار داد و صرفاً با بدبینی نمی‌توان به آن نگاه کرد. بر این اساس می‌توان ادعا کرد برخی رویکردهای

العبادی به ویژه موضوع «تعامل گرایی و تنش زدایی با بازیگران دخیل داخلی و خارجی در عراق»، ابعاد مثبتی برای جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت و می تواند در ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و عراق، مفید باشد.

نتیجه گیری

بنابر آنچه گذشت، به نظر می رسد حیدر العبادی در چارچوب مسائل ملی عراق، ساختار بین المللی و روان شناسی سیاسی شخصیتش، در قبال بازیگران دخیل در عراق رفتار می کند. او با نگاهی خوش بینانه در تلاش است سایر همسایگان به ویژه کشورهای عربی را به بازیگرانی با رویکرد «مثبت» در عراق تبدیل کند که پیش از این رفتاری «مخرب» و «منفی» در روند سیاسی عراق داشته اند. از سوی دیگر، موفقیت های حیدر العبادی در سپردن مسئولیت به همه بازیگران مهم داخلی و جلب رضایت نسبی آنها، قابل توجه است. بنابراین حکومت العبادی را می توان تا حد زیادی حکومتی منعطف و فراگیر خواند. از این رو، اقدامات و عملکرد چندماهه العبادی، آن چنان که «تحلیل بدبینانه»، تصویر می نماید، اگرچه محدودیت هایی را سبب می شود، در نهایت به زیان منافع جمهوری اسلامی ایران نخواهد بود؛ اما نکته مسلم آن است که «نقش و نفوذ جمهوری اسلامی ایران» با آمدن سایر بازیگران به صحنه سیاسی عراق، تا حدودی کاهش خواهد یافت، ولی با توجه به پیوستگی جغرافیایی و همبستگی فرهنگی - مذهبی ایران با عراق، این «نقش و نفوذ» هرگز از میان نخواهد رفت.

قدر مسلم رویکرد کنونی العبادی، چنانچه صرفاً بتواند به «نقش مثبت» بازیگران عربی و ایجاد «امنیت» بینجامد، مفید فایده خواهد بود؛ در حالی که به ایفای نقش مثبت از سوی بازیگرانی نظیر عربستان سعودی، که منافع خود را در

تقابل با منافع جمهوری اسلامی ایران در عراق تعریف کرده‌اند، نمی‌توان امیدوار بود. نکته مهم آن است که حکام آل سعود با ذات و ماهیت «حاکمیت عراق پس از سال 2003» چالش دارند و سیاست انفتاح، فقط می‌تواند تا حدی این چالش‌ها را کاهش دهد.

از سوی دیگر میان بازیگران غربی، رویکرد العبادی چنانچه «حضور و فعالیت نظامی - امنیتی و اطلاعاتی مجدد امریکایی‌ها در عراق» را رقم بزند، با منافع و امنیت ملی عراق در تضاد قرار خواهد گرفت؛ اما چنانچه این رویکرد، به مقبولیت بیشتر مبارزه با داعش و در مجموع «مبارزه با تروریسم» منجر شود، دستاوردهایی در پی خواهد داشت. البته نکته مهمی که در اینجا اشاره به آن ضروری می‌نماید این است که بنا به اظهارات مسئولان عراقی از جمله حیدر العبادی، کمک‌های نظامی - امنیتی امریکایی‌ها در عراق برای مبارزه با تروریسم، چندان تأثیرگذار نبوده است.

منابع فارسی

- مورگنتا، هانس. جی (1374)، سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شریفی، طراز کوهی، حسین (1380)، حقوق بشر (نظریه‌ها و رویه‌ها)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

سایت‌های اینترنتی

- سایت دیپلماسی ایران، سه‌شنبه 21 مرداد 1393، به آدرس:

<http://www.irandiplomacy.ir/fa/page/1936997>

- سایت خبری - تحلیلی عصر ایران، 20 مرداد 1393، به آدرس:

<http://www.asriran.com/fa/news/350062>

- خبرگزاری اسلام تایمز به نقل از «خبر نت»، سه‌شنبه 11 آذرماه 1393، به آدرس:

<http://www.islamtimes.org>

- خبرگزاری تسنیم، 1393/9/12 به نقل از «المسلة» در موتور جست‌وجوی:

www.gathreh.com/news/nn23582426

- خبرگزاری شبستان، 11 آذرماه 1393: <http://shbestan.ir>

- سایت خبری - تحلیلی رخداده 24، 1393/10/27 به آدرس: www.ROKHDAD24.com

- پایگاه خبری قدس آنلاین به آدرس: www.Qudsonline.ir

- سایت نشریه القدس العربی به آدرس: www.alquds.so.uk

- سایت بلاغ نیوز به آدرس: <http://www.blaghnews.com>

- سایت تابناک به آدرس: <http://www.tabnak.ir>

- سایت انتخاب به آدرس: <http://www.entekhab.ir>

- سایت تیک به آدرس: <http://tik.ir>

منابع لاتین

- Jason, Holander, "Prof Kenneth N Waltz's Political Realism wins James Madison Life time Achaievement Award in political Sience", Columbia univrsty news, Retrived, Mar28, 2000/ www.Columbia.edu/cu/pr/00/03kennethwaltz.html